

در گرامیداشت روز جهانی حقوق بشر

به مناسبت سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر
10 دسامبر 1948 - 19 آذر 1327



بیانیه

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

هفتاد و پنج سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد می گذرد. در این بیانیه حقوق اولیه انسانها در زمینه های گوناگون چون امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مدنی و ... روشن و مدون شده است.

بسیاری از کشورهای جهان، از جمله دولت ایران، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرده اند، اما در عمل بسیاری از این کشورها بسیاری از مفاد آن را نقض و زیر پا می گذارند، چنانچه ما شاهد سرکوب، زندانی، اعدام و همچنین رانده شدن صدها هزار انسان از سرزمینهای خود هستیم.

ایران اگرچه یکی از امضاء کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر است، ولی نقض حقوق بشر توسط رژیم پهلوی و سپس جمهوری اسلامی همواره وجود داشته و نیز ادامه دارد. سرکوب اعتراض مردم به گران شدن بنزین در آبان ۱۳۹۸، یکی از خونین ترین و وحشیانه ترین سرکوب ها در تاریخ معاصر ایران است.

خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و کشته شدن مهسا (ژینا) امینی توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی، سرآغاز حرکتی عظیم در سراسر کشور بود که رعب و وحشت در قدرت استبداد حکومت دینی ایجاد کرد و منجر به دستگیری هزاران نفر و همچنین اعدام و کشته شدن صدها نفر شد.

جمهوری اسلامی در یک سال اخیر با دستگیری های مداوم کنشگران مدنی، روزنامه نگاران، نویسندگان، دانشجویان، معلمان، هنرمندان، کارگران، وکلا و... سعی بر هرچه بیشتر امنیتی کردن جامعه و تمامی نهادهای اجتماعی می کند. هرچند کوشش حکومت در ایجاد فضای رعب و وحشت به شکلی توانسته است مردم را از خیابان دور نگه دارد، اما هر روز جسته گریخته و حتی به شکلی منظم (اعتراض بازنشستگان و کارگران) شاهد حضور، ابراز خشم و نفرت مردم نسبت به حکومت اسلامی هستیم.

در این میان با فشار و افشای ماهیت سرکوبگر حکومت توسط کنشگران در داخل و خارج از کشور، رژیم جمهوری اسلامی دست به آزادی چندین زندانی سیاسی زده است، از جمله توماج صالحی که برای خواندن ترانه ای انقلابی و نیز حمایت از خیزش ۱۴۰۱ یک سال در زندان در زیر شکنجه های جسمی و روحی بسر برده است، او را بدلیل افشاگری هایش دو هفته بعد دوباره دستگیر کردند. نرگس محمدی فعال حقوق بشر و زندانی سیاسی که امسال برنده جایزه صلح نوبل شد، سالهاست که در زندان بسر می برد.

در سایر کشورهای جهان نیز، ما همچنان شاهد نقض حقوق بشر هستیم. چین که با بیشترین اعدام ها در سطح جهان، یکی از بزرگترین ناقضان حقوق بشر است. روسیه که نزدیک به دو سال است به کشور مستقل اوکراین تجاوز نظامی کرده و هنوز شهرها و مناطق مسکونی را مورد حمله های موشکی و پهپادی می کند و زندانهای او مملو از فعالان حقوق بشری، خبرنگاران و معترضین به جنگ است، همچنین در هند و ...

در نزاع تاریخی بین اسرائیل و فلسطین، از یک طرف شاهد حمله و

یورش تروریستی حماس به جنوب اسرائیل که منجر به کشته شدن بیش از ۱۲۰۰ نفر و به اسارت گرفتن بیش از دویست نفر، نظامی و غیر نظامی، زن و کودک اسرائیلی شد هستیم، و از طرف دیگر شاهد حمله ارتش اسرائیل به نوار غزه تحت عنوان «دفاع از خود» با بمباران خانه ها و اماکن عمومی مانند بیمارستان ها که منجر به کشته شدن بیش از ده هزار نفر از جمله چند هزار کودک شد، هستیم. اما بیشتر رسانه ها و دولتهای غربی شاهد خاموش آن بودند و بخشا آن را تایید کردند. گوئی تنها آزار و کشته شدن کودکان و نوجوانان اسرائیل و به اسارت گرفتن آنان، بایستی مورد انزجار قرار گیرد و نه آزار و کشته شدن و به اسارت گرفتن تمام کودکان، نوجوانان و جوانان آن منطقه آشوب زده.

در افغانستان پس از به قدرت رسیدن مجدد طالبان شاهد نقض وسیع حقوق بشر و به ویژه محرومیت زنان و دختران از رفتن به مدرسه، دانشگاه و کار هستیم. مردم بستوه آمده از قدرت گیری مجدد طالبان که به کشور همسایه پاکستان پناه آورده بودند، در چند ماه اخیر توسط این دولت اخراج میشوند و جهان در برابر این فاجعه سکوت کرده است.

همچنین ما شاهد نقض حقوق بشر به صورت گسترده و ریشه ای در ترکیه، عربستان، سوریه، عراق، مصر الجزیره و... هستیم. حتی در کشورهای دموکراتیک که بیش از همه ادعای دفاع از حقوق بشر را میکنند و انتظار بیشتری برای رعایت حقوق بشر از آنان است (اروپا، آمریکا...)، نقض حقوق بشر کما بیش ادامه دارد.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، به مناسبت ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر در سراسر جهان، بار دیگر بر تعهد همه جانبه خود در دفاع و کوشش در تحقق پیمان جهانشمول حقوق بشر و ملحقات آن تاکید می‌ورزد. در همین راستا نیز، بر اصل جدایی دولت از دین (لائیسیته)، به منزله یکی از مضامین حقوق بشری، پای می‌فشارد و از تمام کنشگران حقوق بشری در سراسر جهان پشتیبانی می‌کند.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

به مناسبت روز جهانی منع خشونت بر زنان



بیانیه کانون نویسندگان ایران

تقویم‌نوشته‌ها ۲۵ نوامبر (۴ آذر) را روز مبارزه با خشونت بر زنان می‌دانند، یادآور کشته شدن خواهران مبارز «میرابال» به دست دیکتاتور دومنیکن در سال ۱۹۶۰. اما نانوشته‌های خشونت بر زنان طوماری به گستردگی تاریخ دارد. تاریخ زنانی که زنده به‌گور شدند، در آتش سوزانده شدند، سنگسار یا مثله شدند، برده‌ی جنسی

شدند، به دار آویخته شدند، در جنگها و نزاعها اسیر شدند، قربانی تجاوز شدند و با انواع قوانین و سنتها بر آنها ستم روا داشتند، کارشان کم‌ارزش‌تر از مردان شمرده شد یا اساساً به حساب نیامد.

خشونت بر زنان، گذشته از ژرفای تاریخی، پهنه‌ای به گستردگی جهان دارد؛ خشونتی است ریشه‌دوانده در سراسر مناسبات و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که در همه‌ی عرصه‌های زندگی زنان — از پنهان‌ترین زوایا تا عرصه‌ی اجتماع — پیوسته تولید و بازتولید می‌شود؛ و جز سرکوب زن و بهره‌کشی از نیروی کار و زاینده‌گی او هدفی ندارد.

به‌رغم تمامی پیشرفت‌های دانش و فناوری، گسترش روزافزون فقر و حاشیه‌نشینی در سراسر جهان و سربرآوردن انواع نظام‌های سلطه و بنیادگرا جهنمی به پا کرده‌اند که تیشه به ریشه‌ی تمامی دست‌آوردهایی می‌زند که با سالها مقاومت و مبارزه‌ی مردم به‌ویژه زنان به چنگ آمد. در این جهنم، فشارهای نظام‌مند بر زنان در قالب تجاوز جنسی، زن‌کشی و خشونت خانگی از همه‌گیری مرگ‌بار گونه‌ای «زن‌ستیزی» حکایت دارد.

در ایران نیز ستم و خشونت تجربه‌ی زیسته‌ی زنان بوده اما این زن‌ستیزی نظام‌مند با توسل به عناصر واپس‌گرای فرهنگی و مذهبی و سنتی هم‌اکنون به ابعاد تازه و فاجعه‌آمیز رسیده است. نخستین گام حاکمیت اسلامی برای سرکوب زنان سلب آزادی پوشش با تحمیل «حجاب اجباری» بود که سپس به شتاب تمامی عرصه‌های زندگی زنان از خانه و خانواده، محل کار و تحصیل و قوانین ذیربط را درنوردید و مجوزی شد برای تشدید انواع ستم‌ها بر زنان از خشونت‌های خانگی و «کودک‌همسری» گرفته تا «قتل‌های ناموسی» و اسیدپاشی به بهانه‌های گوناگون. این زن‌ستیزی در مقابله با جنبشی که با شعار «زن، زندگی، آزادی» سر برآورد درنده‌خویی خود را به‌غایت نشان داد.

جنبش مقاومت و آزادی‌خواهی زنان که بی‌درنگ پس از استقرار حاکمیت اسلامی نخستین گام علنی خود را با اعتراض به «حجاب اجباری» در هفدهم اسفندماه ۵۷ برداشته بود، از آن پس بارها به شکل‌های گوناگون قد علم کرد تا سرانجام در پی قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی شعله‌ور شد و در اندک‌زمانی به شکل جنبشی عمومی درآمد. اعتراض‌های سراسری به اعدام‌های روزافزون و دیگر قتل‌های

ستم‌کارانه، سرکوب پیوسته‌ی معترضان در سراسر کشور، بازداشت‌های گسترده به‌ویژه از میان زنان، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران، صدور احکام سنگین زندان، بهره‌گیری از حربه‌ی دیرینه‌ی تجاوز و خشونت سازمان‌یافته در زندان و خیابان، مسموم‌سازی در مدارس و خوابگاه‌های دخترانه، اخراج یا تعلیق دانشجویان و دانش‌آموزان، دیوانه‌انگاری‌ها و خودکشی‌سازی‌ها، ایجاد محدودیت‌های گوناگون برای معترضان و اقدام‌های «قانونی» و «فراقانونی» برای کنترل خشم و اعتراض زنان و مطیع‌سازی آنان، روزبه‌روز به این جنبش عمق و گستره‌ی بیشتری داده‌اند؛ عمقی به ژرفای چالش با خاستگاه‌های اصلی این خشونت‌ها و گستره‌ای به پُرشماریِ همراهانی از هر جنس و سن و طبقه و نژاد، و از هر قوم و مسلک، که دست در دست یکدیگر بر مبارزه پای می‌فشارند تا کنارِ خواهران میرابال برگ درخشان دیگری در تاریخ از خود برجای بگذارند.

کانون نویسندگان ایران که بنا بر منشور خود همواره بر حق آزادی بیان و حق اعتراض همگانی تأکید کرده است، روز جهانی منع خشونت بر زنان را گرامی می‌دارد و آزاداندیشان را، هر جا که هستند، به همراهی با زنان و مردان آزاده و دلاوری فرا می‌خواند که در ایران و جای‌جای جهان در این راه گام برمی‌دارند.

کانون نویسندگان ایران
۳ آذر ۱۴۰۲

ضرورت مبارزه برای جمهوری در راستای پیروزی انقلاب دمکراتیک

فرامرز دادور

برای اکثریت مردم ایران حیاتی است که براندازی جمهوری اسلامی در راستای استقرار نظامی مستقل، دمکراتیک، جمهور و پایبند به

ارزشهای جهانشمول حقوق بشر انجام گیرد. تاریخا در ایران در قرن بیستم و از آغاز پیروزی انقلاب مشروطیت، مردم ایران با مسائل اجتماعی زیادی روبرو بوده اند و بغیر از برخورداری کوتاه مدت برای چند سال از دمکراسی نسبی، همواره در دوران حکومتهای سلطنت و نظام ولایت فقیه در زیر یوغ خفقان سیاسی و ستمهای گوناگون اقتصادی و اجتماعی زیسته اند. واقعیات کنونی بویژه در یکسال گذشته، حول محور جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" نشان میدهد که اکثریت قاطع مردم مخالف بقای جمهوری اسلامی بوده و خواستار نیل به دمکراسی و عدالت اجتماعی میباشند. در این ارتباط مهم است که گذر از نظام حاضر هدفمند انجام گرفته به شرایط و موازین دمکراتیک و پذیرا برای مشارکت توده ها در امور جامعه منجر گردد. شواهد تاریخی و تحقق بخشی از آمال رهائی خواه و عدالتجویانه در برخی از چوامع در دنیا نشان میدهند که گرچه عالیترین شکل دمکراتیک برای اداره جامعه، مدیریت شبکه ای از سوی تجمع های مردمی (در اشکال شوراهای انجمنها و...) میباشد که به شیوه های خودگردانانه مناطق محلی و کل جامعه را اداره نمایند، اما بدلائل بسیار و از جمله ممانعتهای سیاسی و اجتماعی از جانب حکومت های ارتجاعی و برخی سرمایداران وابسته به دولت های خودکامه و همچنین نبود شناخت و تجربه کافی در میان توده ها بویژه کارگران و محرومان در رابطه با امکان دستیابی به مشارکت دمکراتیک در اداره مستقیم امور جامعه؛ هنوز چشم انداز قابل لمس برای ایجاد بلافاصله چنین موازین ساختاری و مدنی اتوپیایی، در دسترس نیست.

مسلم است که برای نیل به اهداف آزادیخواهانه و برابری طلبانه به یک مسیر مبارزاتی سازمان یافته و احتمالا طولانی مدت نیاز است. در ایران، زیر سلطه رژیم ولایت فقیه و نهادهای قدرتمند انحصاری، عمده ثروت جامعه و درآمدهای نفت تحت نام خصوصی سازی از سوی حاکمان و رانتخواران وابسته چپاول گشته فاصله طبقاتی اوج گرفته، وجود تورم شدید، فساد وحشتناک اقتصادی و سقوط طبقات متوسط و کارگری به زیر خط فقر و محرومیت شدید که این بخش از جامعه بالای 50 درصد از مردم را تشکیل میدهد، یک واقعیت تلخ است. طبیعی است که مقاومت، اعتراض و مبارزات بی وقفه مردمی همواره جاری است. خیزش آزادیخواهانه مردم در سال گذشته علیه سردمداران حکومت و نهادهای سرکوب آن و مقابله قهرمانانه زنان با حجاب اجباری نشان از تداوم تقابل روزمره و فراگیر در حیطه های گوناگون جامعه با نظام ولایت فقیه میدهد. با توجه به شعارها

و مطالبات طرح شده، میتوان گفت که اهم خواسته مردم برکناری نظام ولایت فقیه و برقراری دموکراسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی میباشد. هم اکنون علاوه بر ادامه مرحله ای اعتراضات خیابانی توده ها در برخی مناطق، از جمله در زاهدان و بلوچستان، در سراسر ایران نیز مبارزات مردم در اشکال متفاوت و از سوی جنبش های اجتماعی در میان کارگران، زنان، دانشجویان، بازنشستگان و معلمان و دیگر بخشهای جامعه ادامه دارد. موضوع مهم این است که مطالبات ضد استبدادی، آزادیخواهانه و عدالتجویانه چگونه دستخوش تغییرات شفاف تر، دموکراتیک تر، همگانی تر و سازمان یافته تر شوند که جامعه بسوی ایجاد موازین و ساختارهای رادیکال مردمی در بعد از پیروزی انقلاب سوق یابد.

هم اکنون، مباحث زیادی در جامعه در مورد چگونگی عبور از نظام استبدادی-مذهبی حاضر و دستیابی به حکومت مردمی در چارچوب دموکراسی، جدایی دین از دولت و نهادینه کردن موازین عادلانه اقتصادی و اجتماعی جاری است. اما گره اصلی این است که چه راهکارها و استفاده از چه ابزار و موازین میتواند به پیروزی مردم در راستای تداوم دموکراسی یاری رساند. همه شاهد هستیم که اغلب شاخه های مدعی اپوزیسیون از چپها گرفته تا ملی دموکراتها و سلطنت طلبها نوید از آزادی و عدالت اقتصادی-اجتماعی میدهند. اما مهم است روشن گردد که چه نوع ساختار سیاسی میتواند برای بقای دموکراسی بیشترین امکان سیاسی دموکراتیک را فراهم آورد. البته، بارها بدرستی تاکید گشته است که نظام شورایی و جامعه مبتنی بر مناسبات غیر کالائی و غیر ستمگرانه مورد نظر چپ رادیکال به یک پروسه طولانی سازمان یافته نیازمند است که عامل ذهنی به معنی وجود شناخت، اعتقاد و خواست در میان اکثریت توده های مردم در ایران و جهان در راستای پی گیری هدفمند بسوی سوسیالیسم وجود داشته باشد. اما پرسش این است که با توجه به وضعیت کنونی و تداوم روابط سرمایه داری در عرصه های متنوع جامعه و در عین حال نارسائی عامل ذهنی بحد مطلوب رای استقرار سوسیالیسم، چه نوع ساختار بلافاصله دموکراتیک میتواند برای مشارکت توده های مردم در امور جامعه مناسب باشد.

جمهوری به مثابه یک نظام سیاسی شناخته میشود که قدرت نهایی برای اداره دموکراتیک جامعه در دست مردم و نمایندگان انتخاب شده آنها و نه یک سلطان (شاه)، میباشد. بدیهی است که این شکل سیاسی مستعد نفوذ از جانب قدرتهای بزرگ اقتصادی و اجتماعی بوده و

هنوز با ساختاری که توده های مردم در اشکال خود مدیریتی، تمامی امورات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه را بوسیله تجمع ها، کمیته ها و شوراهای مردمی، بدون وجود هرگونه روابط کالائی استثمارگرانه و توأم با موازین هیرارشی اداره گردد، متفاوت است. شکل ایده آل و مبتنی بر موازین خود مدیریتی در جامعه که تا حدی در نوشته های مارکس مانند "نقدی بر برنامه گوتا" و "جنگ داخلی در فرانسه" به آنها اشاره شده است، مستلزم ظهور شرایط عینی و ذهنی بویژه شناخت و آگاهی در اکثریت توده های مردم و در عین حال نابودی سیستم امپریالیستی و استیلای صلح در جهان میباشد. اما وضعیت کنونی در ایران و جهان نشان میدهد که حرکت در راستای برچیدن روابط استثمارگری و ستمگرانه عمدتاً از مجرای مبارزات و تلاشهای دمکراتیک عملی انجام میگردد که در این ارتباط ساختار سیاسی جمهوری، به مثابه یکی از دستاوردهای عصر دوران روشنگری، مطرح میگردد. وگرنه برقراری یک نظام شورائی به صورتیکه تلاش گردد بدون وجود دخالت عموم مردم و اقتدارگرایانه سازمان یابد، حامل بن بست ها و بحرانهای زیادی خواهد بود و توسل به شیوه های خودکامه و تک حزبی در چارچوب سرمایه داری دولتی از جمله نمونههای تاریخی آن است.

در واقع، در صورت پیروزی انقلاب دمکراتیک مهم است که جامعه 85 میلیونی ایران و شالوده های مرکزی اقتصادی و اجتماعی از جمله صنایع نفت، شیمیایی، اتوموبیل سازی، معادن، غیره گرفته تا نهادهای عمومی بزرگ در عرصه های در مان، بهداشت، جاده سازی و غیره در چارچوب موازین یک قانون اساسی مترقی و دمکراتیک از طریق نهادهای تصمیم گیری سراسری و محلی که از سوی توده های مردم انتخاب شده اند، بر طبق اصول جمهوری اداره گردد. در این رابطه مهم است که حتی در دوران قبل از پیروزی انقلاب این موضوع بروشنی ابراز گشته، عنوان شود که در مرحله گذار ساختار دمکراتیک حکومتی از نوع جمهوری میباشد، یعنی مسئولیتهای مدیریتی سراسری و محلی بر اساس رای گیری عمومی انتخاب میشوند. البته مهم است که بر موضوع عدالت اقتصادی و اجتماعی تاکید گشته، حتی در چارچوب سرمایه داری که به احتمال زیاد هنوز واقعیت اقتصادی در این مرحله است، امر محدودیت بر موازین بازار آزاد و ایجاد حقوق رفاهی عنوان گردند.

ولی در وضعیت کنونی، تلاش اصلی میباید در راستای شکل گیری و توسعه جنبش دمکراسی خواهی در کلیت آن باشد که این روند قادر

گردد فعالان و طرفداران آزادی و عدالت اقتصادی و اجتماعی را در میان جنبشهای کارگری، زنان، حقوق بشر، محیط زیست و ملیتها برای برکناری نظام حاضر سازماندهی و منسجم کند. در واقع مهم است به سیر واقعی حرکتهای اعتراضی مردم توجه گردد که در کنار اعلام آرمانهای انسانی تلاش گردد که مردم بتدریج این ایده ها را پذیرفته در صفوف مبارزات ضد سرمایه داری در راستای سوسیالیسم قرار گیرند. اما، این نگاه که استمرار طول مدت استبداد و استثمار در مقطع کنونی چشمان مردم را برای اعتقاد به نظامی انقلابی و عاری از استثمار و استبداد گشوده است و بر این اساس اعلام نمود که خیزشهای دمکراسی خواهانه مردم در ایران، پیشاپیش راه خود را بسوی دنیای جدید با موازین غیر سرمایه داری یافته است، یک خوش خیالی فریبنده است. واقعیت این است که برای نیل به نظام انقلابی میباید شراکت و دخالت سیاسی نمود و در دورانی که معضلات بی شمار سیاسی و اجتماعی وجود دارند و نبود نهادها و سازماندهی لازم مردمی در عرصه های سازماندهی اجتماعی موانع اصلی بشمار می آیند، صحبت از نفی بلافاصله سرمایه داری و استقرار موازین سوسیالیستی (ب.م. مناسبات غیر کالائی و دمکراسی مستقیم) مملو از ذهنیتهای نه چندان خردمندانه است.

حیاتی است که برای سازماندهی واقعگراانه جامعه، چه قبل از پیروزی انقلاب دمکراتیک و چه در دوران پسا انقلاب اقدام گردد. اوضاع کنونی از علاقمندان و کنشگران اجتماعی و سیاسی تلاشهای عظیمی میطلبد. تاریخ مبارزات در دنیای امروز نشان میدهد که تشکیل و سازماندهی یک جبهه مردمی در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار بلافاصله نظامی مبتنی بر جمهوری، سکولاریسم و آزادیهای مدنی بسیار اهمیت دارد. خطرات آنی در مقابل جنبش دمکراتیک مردم علاوه بر سرکوبهای رژیم تروریستی جمهوری اسلامی و امکان دخالتهای امپریالیست، وجود جریانات ایرانی وابسته به قدرتهای خارجی و بویژه نیروهای سلطنت طلب میباشند. اما اکثریت مردم ایران و فعالان در جنبشهای مردمی به مطالبات اساسی و حق طلبانه خود واقف هستند. به امید پیروزی انقلاب دمکراتیک در ایران

فرامرز دادور

21 نوامبر 2023

در سوگ باقر مؤمنی



(۱۳۰۵ - ۱۴۰۲)

باقر مؤمنی، مورخ، نویسنده، مترجم و کنشگر چپ‌گرای ایرانی، بامداد ۱۹ نوامبر ۲۰۲۳ / ۲۸ آبان ۱۴۰۲ در بیمارستانی در پاریس چشم بر جهان فرو بست.

باقر مؤمنی اردیبهشت ۱۳۰۵ در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از پایان دبیرستان، به تهران رفت، در دانشکده حقوق دانشگاه تهران درس خواند و در این رشته کارشناس شد. پس از چندی به فرانسه رفت، در دانشگاه سوربون پاریس سرگرم تحصیل شد و در تاریخ، مدرک دکترا گرفت.

این روشنفکر پیشرو که از جوانی به مبارزه‌ی سیاسی روی آورد، تا دو سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، عضو فعال حزب توده ایران بود. در پی گسست از حزب توده، با شماری از روشنفکران انقلابی و هم‌زمان پیشین، نبرد علیه دیکتاتوری شاه را ادامه داد. به کانون نویسندگان ایران پیوست که برای آزادی اندیشه و بیان در تکاپو بود.

پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، با انتشار هفته‌نامه‌ی صدای معاصر و نشریه‌ی تئوریک مارکسیستی اندیشه، پیکار دموکراتیک برای دستیابی به آزادی، برابری و عدالت اجتماعی را پی‌گرفت.

در نیمه‌ی سال ۱۳۶۱، همانند بسیاری از دگراندیشان و مخالفان اصولی جمهوری اسلامی، ناگزیر به گریز از ایران شد. همراه با خانواده‌اش به پاریس کوچید و زندگی در تبعید را آغازید. در سال‌های زندگی در تبعید، از پیکار با جمهوری اسلامی و نیز پژوهش و نگارش در زمینه‌های گوناگونِ برآمدن این نظام ناهمزاد با زمان، دست نکشید. نه تنها پای ثابت حرکت‌های اعتراضی علیه بیدارگری‌های دین‌سالاران شیعی در میهن‌مان بود، بلکه از آفرینندگان آثار ارزشمندی در تاریخ ایران معاصر به شمار می‌آید؛ به ویژه از جنبش مشروطه‌خواهی به این سو.

باقر مؤمنی از انگشت شمار اندیشمندان مارکسیست است که قرآن و نوشته‌های اسلام‌شناسان دیروز و امروز را به نقد کشیده است.

جای این نویسنده‌ی فرهیخته و سنجشگر که زندگی پُر بارش الگوی بسیاری بوده است، برای چند نسل از روشنفکران و پیکارگران آزادی ایران که بسیار از او آموخته‌اند، تا سال‌های سال خالی خواهد ماند.

تاریخ خاکسپاری و مراسم بزرگداشت باقر مؤمنی در اطلاعیه‌ی دیگری به آگاهی همگان خواهد رسید.

خانواده و دوستان باقر مؤمنی

توماج صالحی با قید وثیقه آزاد شد



خواننده سرشناس رپ اعتراضی در ایران پس از تحمل بیش از یک سال حبس با قید وثیقه از زندان آزاد شد. یه-وان ری نماینده پارلمان آلمان و کفیل سیاسی توماج صالحی گفته آزادی با قید وثیقه آزادی واقعی نیست.

توماج صالحی خواننده رپ که در جریان اعتراضات سراسری زن، زندگی، آزادی بازداشت شده بود پس از تحمل یک سال و ۲۱ روز حبس با قرار وثیقه از زندان آزاد شد.

به گفته امیر رئیسیان وکیل توماج، پرونده او پس از فرجام‌خواهی در دیوان عالی رسیدگی شده و دیوان حکم صادره را نقض و پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه انقلاب اصفهان مسترد کرده است.

همچنین دیوان عالی گفته توماج می‌تواند مشمول بخشنامه عفو عمومی شود.

این در حالی است که او با قید وثیقه آزاد شده و پرونده مختومه نشده است.

یه-وان ری، نماینده پارلمان آلمان که کفالت سیاسی توماج صالحی را بر عهده دارد، در شبکه X ضمن ابراز خوشحالی از آزادی توماج نوشت: «آزادی با قید وثیقه آزادی واقعی نیست، آزادی بدون قید و

شرط نیست. تا زمانی که جمهوری اسلامی تمامی اتهامات او را رد نکند، ما مبارزه برای او را متوقف نخواهیم کرد.»

یه-وان ری همچنین نوشت: «ما فراموش نمی‌کنیم که او بیگناه دستگیر شد، ۱۰ ماه در سلول انفرادی بود، شکنجه شد و جراحاتش درمان نشد.»

این نماینده حزب سوسیال دموکرات همچنین خواهان آزادی تمامی زندانیانی سیاسی در ایران شد و نوشت: «یادمان باشد همه کسانی که آنها [رژیم ایران] زندانی کرده و کشته‌اند بیگناه هستند.»

توماج صالحی که ترانه‌های رپ او در جریان جنبش سراسری زن، زندگی، آزادی بسیار معروف شده بود، در ۸ آبان ۱۴۰۱ در روستایی در چهار محال و بختیاری دستگیر شد. او در تیرماه به اتهام «افساد فی الارض» به ۶ سال و ۳ ماه حبس، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال محرومیت از هرگونه فعالیت، تهیه و تولید آثار موسیقی و خوانندگی محکوم شد.

یکی از نزدیکان توماج به کمپین بین‌المللی حقوق بشر گفته بود «اگر فشارهای رسانه‌ای و بین‌المللی در روزها و هفته‌های ابتدایی نبود شاید امروز توماج زنده نبود».

تابستان امسال «گلوبال موزیک اواردرز» جایزه جهانی خود به نام «هرتیک» را به توماج صالحی اهدا کرد. این جایزه در بخش موسیقی اعتراضی و برای آهنگ «فال» به این رپر معترض زندانی در ایران تعلق گرفت.

از خبرگزاری سایت دویچه وله

19 نوامبر 2023

قاسم آ بسته، زندانی عقیدتی

کرد، به دار آویخته شد



منابع حقوق بشری ایران می‌گویند که روز یکشنبه ۱۴ آبان، حکم اعدام "قاسم آبست" از زندانیان عقیدتی کرد در زندان قزلحصار کرج اجرا شد. کنشگران حقوق بشر می‌گویند که روند دادرسی پرونده این زندانی عقیدتی ناعادلانه بود.

به گزارش شبکه حقوق بشر کردستان، روز یکشنبه ۱۴ آبان "قاسم آبست" از زندانیان عقیدتی کرد در زندان قزلحصار کرج اعدام شد.

قاسم آبست که ۱۴ سال گذشت را در بازداشت و زندان سپری کرد بود، پیشتر و در روند دادرسی که فعالان حقوق بشر آن را ناعادلانه میدانند به همراه ۶ شهروند دیگر کُرد در یک پرونده مشترک به اتهام "افساد فی‌الارض" به اعدام محکوم شده بودند.

بگفت شبکه حقوق بشر کردستان، این زندانی عقیدتی روز ۷ آبان برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شده بود. خانواده این زندانی سیاسی روز یکشنبه در یک تماس تلفنی از سوی مسئولین زندان از اعدام وی مطلع شده‌اند.

قاسم آبسته، ۴۴ ساله، پدر ۲ فرزند و اهل مهاباد در ۱۶ آذر ۱۳۸۸ به همراه ۶ شهروند دیگر کُرد اهل شهرهای سقز و مهاباد به نام‌های داود عبداللهی، کامران شیخه، فرهاد سلیمی، خسرو بشارت،

انور خضری و ایوب کریمی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه منتقل شدند. این ۷ زندانی عقیدتی به مدت حدود ۸ ماه در این بازداشتگاه امنیتی مورد بازجویی قرار گرفتند.

با پایان دوران بازجویی در بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه این ۷ زندانی عقیدتی به زندان اوین تهران منتقل و به مدت ۶ ماه در سلولهای انفرادی بندهای ۲۴۰، ۲۰۹ زندان اوین مورد بازجویی قرار گرفتند. این ۷ زندان عقیدتی با پایان دوران بازجویی در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۹۱ به زندان رجایی‌شهر کرج منتقل شدند.

اواخر اسفند ۱۳۹۴ جلسه دادگاه این ۷ زندانی به اتهاماتی همچون "اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، «عضویت در گروه‌های سلفی و افساد فی‌الأرض» در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه برگزار شد و در ۵ خردادماه سال ۹۵ صدور حکم اعدام به آنان در زندان به صورت رسمی ابلاغ شد.

شبکه حقوق‌بشر کردستان می‌گوید که این ۷ زندانی عقیدتی در مرداد سال جاری پس از تعطیلی و تخلیه زندان رجایی شهر کرج به زندان قزلحصار منتقل شد.

حکم اعدام این زندانی عقیدتی کرد در حالی اجرا شد که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارشی روز سه‌شنبه نهم آبان (دوم نوامبر) به مجمع عمومی این سازمان، درباره وضعیت حقوق بشر در ایران گفت که سرعت اعدام‌ها و صدور احکام اعدام در این کشور از پاییز گذشته به شکل نگران‌کننده‌ای افزایش یافته و نسبت به مدت مشابه در سال قبل از آن ۳۰ درصد بیشتر شده است.

بر اساس این گزارش، طی هفت ماه نخست سال میلادی جاری دستکم ۴۱۹ نفر از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی اعدام شدند.

گوترش نگرانی عمیق خود را از "فقدان تحقیقات شفاف و مستقل درباره موارد گزارش‌شده پیرامون نقض حقوق بشر، به ویژه در جریان اعتراضات سراسری ابراز کرد". او به فشارها و تهدیدهای مستمر علیه وکلا اشاره کرد که "مانع از پاسخگویی در مورد تخلفات گذشته و جاری" در جمهوری اسلامی می‌شود.

ایران پس از چین بالاترین آمار صدور و اجرای حکم اعدام در جهان را دارد. همچنین در رده‌بندی آزادی مطبوعات در سال ۲۰۲۰ که توسط

گزارشگران بدون مرز انجام شده، جمهوری اسلامی از میان ۱۸۰ کشور
جهان در رتبه ۱۷۳ قرار دارد

14 آبان 1402 - دویچه وله